روزنه

ابهامات در پرونده مرگ قاضی منصوری همچنان ادامه دارد

یک زن همراه قاضی منصوری بوده است

● **شرق:** پرونده مرگ مشکوک قاضی منصوری در حالی به فراموشی سپرده شده است که روشن‌شدن ابعاد پرونده مرگ او می‌تواند پاسخ بسیاری از سؤالات درباره پرونده این قاضی و همدستانش باشد. درحالی‌که رومانی با یک توضیح بدون سند و مدرک دلیل مرگ منصوری را خودکشی عنوان کرده است، هنوز از فیلم‌های هتل محل اقامت این قاضی و مدارکی که خودکشی را تأیید کنند خبری منتشر نشده است. چندی پیش بود که برادر غلامرضا منصوری در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، درباره اظهارات اخیر دادستان تهران مبنی بر ارسال فیلم حادثه فوت قاضی منصوری به ایران، اظهار کرد: طبق پیگیری‌های ما تاکنون هیچ فیلمی که نشانگر خودکشی قاضی منصوری در هتل دوک رومانی باشد، وجود ندارد و هیچ فیلمی به ایران ارسال نشده است. وی افزود: از نظر خانواده مهم‌ترین مبحثی که باید بررسی شود، طرق ارتباطی برادرم با خانواده است، بر همین اساس از رئیس محترم قوه قضائیه تقاضا داریم که دستور بررسی آن صادر شود. برادر قاضی منصوری گفت: از آنجایی که قاضی منصوری به صورت تصویری و مکرر از محل اقامتشان در سفارت جمهوری اسلامی ایران در رومانی با بستگان صحبت می‌کردند و محل اقامت را که حاکی از حضور در سفارت بود، نشان می‌دادند؛ به نظر می‌رسد سفارت جمهوری اسلامی ایران در رومانی اطلاعات کامل دو شبانه‌روز حضور قاضی منصوری در محل اقامتگاه را داشته باشد اما متأسفانه این اطلاعات را به قوه قضائیه ارائه نکرده است. او بیان کرد: بهتر است قوه قضائیه فیلم دوربین‌های مداربسته را بگیرد تا بخشی از واقعیت روشن شود.

این مرگ مشکوک حداقل برای همدستان منصوری خیر بوده و جان سالم از اعترافات احتمالی او به در برده‌اند که همین امر انتظار برای تحقیقات تکمیلی ایجاد کرده است؛ هرچند با عدم همکاری دولت رومانی تقریبا دست‌یافتن به حقیقت سخت شده است.

در همین حال سیدمحمود علیزاده‌طباطبایی درباره آخرین وضعیت پرونده قاضی منصوری، گفته است: متأسفانه هیچ اقدامی صورت نگرفته است. قرار بود ملاقاتی با سفیر رومانی در تهران داشته باشیم که اعلام شد سفیر تغییر خواهد کرد و باید با سفیر جدید ملاقات داشته باشیم. وکیل خانواده غلامرضا منصوری افزود: ابهامات زیادی درباره این پرونده وجود دارد و تاکنون گزارش و اطلاعاتی به دست ما نرسیده است. حتی اموال و اجناسی که همراه قاضی منصوری بوده به دست خانواده نرسیده است. از بازپرسی به ما گفته شد که اموال را به وزارت امور خارجه تحویل داده‌اند در صورتی که به وزارت امور خارجه مراجعه کردیم و گفتند به آنها تحویل داده نشده است. بنابراین ابهامات بسیاری وجود دارد و ما در حال بررسی این ابهامات هستیم. وی گفت: در جهت رفع ابهامات، لایحه‌ای به بازپرس ارائه خواهیم داد که در آن لایحه افرادی را که لازم است برای رفع ابهامات احضار شوند، معرفی کرده‌ایم و توضیحاتی خدمت بازپرس ارائه داده‌ایم.

علیزاده‌طباطبایی بیان کرد: طبق فایل‌های صوتی و تصویری که تا چند ساعت قبل از حادثه از قاضی منصوری موجود است، روحیه ایشان به‌هیچ‌وجه متناسب با روحیه کسی که قصد خودکشی دارد، نیست. افرادی که با وی در ارتباط بودند و همچنین افرادی که مانع بازگشت منصوری به کشور شدند، باید احضار شوند و به عنوان مطلع، از آنها کسب اطلاع شود و بعد از اینکه بازپرس اطلاعات را جمع‌آوری کرد، متهمان قضیه مشخص شوند و تحقیقات انجام شود. وکیل خانواده قاضی منصوری ادامه داد: کسانی که ایرانی هستند باید به کشور احضار شوند، کسانی هم که در خارج از کشور هستند، بازپرس می‌تواند برای انجام تحقیقات به خارج برود و اطلاعات کسب کند. او در پاسخ به این سؤال که چندی پیش شایعاتی مبنی بر همراهی یک خانم با غلامرضا منصوری مطرح شد، آیا این موضوع صحت دارد؟ گفت: این موضوع صددرصد صحت دارد. در این لایحه اسم این خانم ذکر شده است تا از ایشان نیز کسب اطلاع شود.

درباره مشخصات و نام و نشان این خانم صحبتی نشده است اما مهم این است که این زن در زمان مرگ منصوری همراه او بوده و می‌تواند بر قتل یا خودکشی بودن مرگ شهادت دهد.

مرگ قاضی منصوری باعث مختومه‌شدن پرونده اتهامات این قاضی مشهور و قدرتمند در دستگاه قضا شد و ابعاد پنهان پرونده برای همیشه مسکوت باقی ماند؛ ازاین‌رو بسیاری معتقدند احتمال قتل او بیشتر از خودکشی است به‌خصوص که در روز حادثه هیچ نشانی از اتخاذ تصمیم خودکشی وجود نداشته و او کارهای روتین مانند رفتن به اداره پلیس و تسویه بخشی از هزینه هتل و جست‌وجو برای نقل مکان به هتلی بهتر را انجام داده بود.

روایت اختلافات هاشمی و مصباح

مسیح مهاجری: هاشمی‌رفسنجانی به مصباح‌یزدی کمک مالی می‌کرد

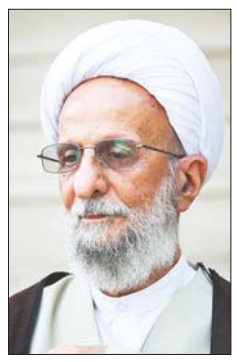

شرق: اکبر هاشمی‌رفسنجانی و محمدتقی مصباح‌یزدی هر دو از جمله شخصیت‌هایی محسوب می‌شوند که در چند دهه اخیر تأثیرگذار بوده‌اند. آنها این روزها یک وجه مشترک دیگر هم دارند، اینکه هر دو فوت کرده‌اند. در کنار این دو وجه اشتراک اما اختلافات آنها بی‌شمار است؛ از خاطره‌ای که هاشمی پیش از فوتش تعریف کرد و گفت که مصباح قبل از انقلاب با انقلابیون همراه نشد تا روایت مصباح‌یزدی از درخواست هاشمی و البته ادعای او مبنی بر حمایت هاشمی از نیروهای منافقین و تا همین چند سال پیش در حمایت از محمود احمدی‌نژاد که مصباح اطاعت از او را اطاعت از خدا می‌دانست و هاشمی از ابتدا با احمدی‌نژاد به مخالفت برخاست.

مسیح مهاجری: هاشمی به یزدی کمک انتخاباتی می‌کرد و به مصباح کمک مالی

حالا اما بعد از فوت این دو چهره مطرح روایت‌های باقی‌مانده از خودشان و روایت شاهدان به جا مانده است؛ چنان‌که روز گذشته مسیح مهاجری در گفت‌وگو با «خبرآنلاین» گفت: «آقای هاشمی کلا انسانی صبور بود. در سال‌های آخر عمر ایشان اوج حملات و مخالفت‌ها با ایشان صورت گرفت و خیلی مظلوم واقع شده بود و بسیاری از خودی‌ها به او حمله می‌کردند. من معمولا هر هفته با ایشان دیدارهای یک یا دو ساعته داشتم، می‌نشستیم با هم صحبت می‌کردیم؛ قصد من بیشتر این بود که به ایشان سر بزنم تا از این مظلومیت خارج شود، می‌خواستم این دوستی و صمیمت را ادامه دهم. یک روز وقتی وارد اتاقشان شدم بعد از احوال‌پرسی‌ها گفتم: این روزها شما آماج حملات توپخانه‌ای شدید هستید، با این حملات چه کار می‌کنید؟ آن روزها یکی از آن مقاطع تند حمله به ایشان بود. ایشان لبخندی زدند و گفتند: شیرینی زندگی به همین است؛ اگر این حملات و مخالفت‌ها نباشند زندگی شیرین نیست و معنایی ندارد».

او در ادامه بحث خود، به مخالفان هاشمی اشاره کرد و گفت: «مثلا آقای سیدمحمد خامنه‌ای از همان اول با ایشان [هاشمی] مشکل داشت، آقای شجونی اواسط دهه ۸۰ منتقد شد و تا آن زمان نه‌تنها منتقد و مخالف نبود بلکه خیلی هم طرفدار بود و سخنرانی‌های مهمی در جهت حمایت از آقای هاشمی از ایشان داریم که در روزنامه‌ها هم چاپ و منتشر شده است اما بعدها مسائل تقریبا شخصی برای آقای شجونی پیش آمد که براساس آن مسائل شخصی، این مخالفت‌ها را شروع کرد... آقای [محمد] یزدی خیلی به آقای هاشمی نزدیک بود و از آقای هاشمی استفاده‌های زیادی کرد؛ برای مثال در یک دوره از انتخابات کاندیدا شده بود و می‌خواست رأی بیاورد اما مشکلاتی هم در افکار عمومی برایشان پیش آمده بود. آن زمان از آقای هاشمی خواست که عکس آقای هاشمی در آن اعلامیه تبلیغاتی کنار عکس خودش باشد تا با استفاده از آن عکس برد تبلیغاتی بیشتری پیدا کند و رأی بیاورد که آقای هاشمی موافقت کردند و این‌طور هم شد ولی از یک مقطعی ایشان در مقابل قرار گرفت. منظور این است که همه این مخالفت‌ها یک حکم ندارد یعنی نمی‌شود گفت که تمام اینها به یک دلیل این‌گونه شدند. آقای یزدی در جریانات بعد از ریاست‌جمهوری آقای هاشمی و مواضعی که آقای هاشمی در آن مرحله داشت که مقداری با بعضی از مواضع کسانی که در قدرت بودند ناهمخوانی داشت، در مقابل ایشان قرار گرفت. اینکه حق با چه کسی است، بحث دیگری است».

او درباره مخالفت‌های آیت‌الله مصباح‌یزدی با آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی هم ادامه داد: «آقای مصباح، در زمانی که آقای هاشمی رئیس‌جمهور بودند خیلی از آقای هاشمی کمک مالی گرفتند البته نه شخصی بلکه امکانات برای مؤسسه‌ای که ساختند، می‌گرفتند یا برای دانشجوهایی که برای تحصیل به خارج فرستادند. آقای هاشمی خیلی با ایشان همراهی کرد و هیچ مضایقه‌ای نکرد؛ بنابراین در آن مقطع با آقای هاشمی هیچ مشکلی نداشت و این‌طور نبود که با آقای هاشمی از اول مشکل داشته باشد. ایشان هم مثل آقای یزدی در مقطعی به دلیل برخی قضایای کشور و حاکمیتی با آقای هاشمی زاویه‌دار شد. تقریبا آقای یزدی و آقای مصباح از این نظر شبیه به هم هستند».

هاشمی‌رفسنجانی: مصباح‌یزدی از کمک به انقلابیون سر باز زد

البته بر اساس شواهد اختلاف هاشمی و مصباح به زمانی نسبتا دور برمی‌گردد. هاشمی چند سال قبل از فوتش در دیدار با بیت شهید آیت‌الله قدوسی به روایتی از دیدار خود و آیت‌الله خامنه‌ای در مقطع پیش از انقلاب با مصباح‌یزدی پرداخت و در آن گفت: «دو نفری -به اتفاق آقای خامنه‌ای- صبحانه رفتیم منزل آقای قدوسی. این آقا هم آنجا بود. نشستیم تا ظهر با او بحث کردیم تا قانعش کنیم برای ادامه مبارزه. آخرش هم گفت من این مبارزه را حرام می‌دانم. به جامعه مدرسین هم گفته‌ام، مبارزه با شاه حرام است. آقای خامنه‌ای از او پرسیدند: دلیلت چیست؟ آن آقا در جواب گفته بود: مبارزه‌ای که مجاهدین و چپی‌ها در آن باشند، حرام است! آقای خامنه‌ای هم به تلخی به او گفته بودند: اگر اهل مبارزه نیستی، خب مبارزه نکن ولی لااقل مبارزه را با این حرف‌ها خراب نکن. از کم فروشی این آقا، کار به جایی رسید که رهبری ۱۰سال -تا ابتدای انقلاب- با او قهر بودند و از سال ۴۸ تا سال ۵۷ با آن آقا یک کلمه هم حرف نزد».

مصباح‌یزدی: کمک‌های هاشمی به منافقین را نباید فراموش کرد

البته سایت آیت‌الله مصباح در آن مقطع پاسخ آیت‌الله هاشمی را داد و با انتشار بخشی از گفت‌وگوی مصباح‌یزدی با عسگراولادی که در تاریخ ۱۱ آبان سال۹۰ انجام شده بود واکنش نشان داد. آیت‌الله مصباح در بخشی از این گفت‌وگو گفته بود: «از اوایل انقلاب تاکنون، سلیقه بنده این بوده که در هیچ حزبی مشارکت نکنم. ارادت بنده به مرحوم آقای بهشتی و اظهار لطف ایشان به من، همکاری‌های بنده با مرحوم آقای باهنر درباره جمعیت‌های مؤتلفه و ارادت بی‌اندازه بنده به مقام معظم رهبری را همه می‌دانند. همه این دوستان در تأسیس حزب جمهوری اسلامی شریک بودند، اما سلیقه شخصی بنده، شرکت در آن حزب نبود. البته من هیچ‌گاه آن را تخطئه نمی‌کنم، اما می‌گویم بنده آن کاری را می‌کنم که در پیشگاه خداوند برای آن جوابی داشته باشم. پیش از پیروزی انقلاب، مقام معظم رهبری و آقای هاشمی‌رفسنجانی توسط آقای قدوسی وقتی تعیین کردند که برای صبحانه به منزل ما تشریف می‌آورند. در آن جلسه صبحانه غیر از این دو بزرگوار، شخص دیگری نبود. آقای هاشمی عنان سخن را به دست گرفتند و از اینجا شروع کردند که ما سال‌ها با هم همکاری‌های فرهنگی و سیاسی داشتیم اما مدتی است که تو کنار کشیده‌ای و با ما نیستی. امروز ما یک جبهه ضد امپریالیسم تشکیل دادیم و همه کسانی که با امپریالیسم و استعمار مخالف‌اند باید برای پیروزی در این جبهه مشارکت کنند. ایشان در سخن‌هایشان روی جبهه ضد امپریالیسم بسیار تأکید کردند. بنده به ایشان عرض کردم: آقای هاشمی! من طلبه‌ای هستم که دغدغه‌ام اسلام است. اگر این یک حرکت اسلامی است و بناست کاری برای اسلام شود، بنده هم هستم. حال، بنده در این جبهه ضد امپریالیسم باید چه کار کنم؟ ایشان گفتند: مسئله شریعتی و شهید جاوید و... را باید کنار گذاشت. حتی ما با مارکسیست‌ها باید اتحاد داشته باشیم! ما باید با تمام گروه‌هایی که ضد امپریالیسم هستند از مارکسیست‌ها، مجاهدین، طرفداران شریعتی تا طرفداران صالحی نجف‌آبادی و دیگران اتحاد داشته باشیم و مخالفت را کنار بگذاریم و فقط با امپریالیسم مبارزه کنیم! گفتم: مطرح‌کردن صالحی که دیگر معنا ندارد ولی از من چه می‌خواهید و پیشنهادتان چیست؟ گفتند: بیا و با مجاهدین همکاری کن! گفتم: من آنها را نمی‌شناسم. چیزهایی درباره آنها شنیده‌ام، اما تا آنها را نشناسم همکاری نمی‌کنم. گفتند: ما می‌شناسیم. گفتم: من کار شما را تخطئه نمی‌کنم. شما پیش خدا حجت دارید و کارتان را بکنید، اما من تا آنها را نشناسم، تأیید نمی‌کنم. گفتند: نماز شب‌شان ترک نمی‌شود، ماهانه ۱۲ هزار تومان حقوق می‌گیرند و از این مقدار فقط ۵۰۰ تومانش را مصرف و بقیه‌اش را صرف مبارزه می‌کنند، چنین‌اند و چنان‌اند. گفتم: همه اینها را که فرمودید درست است اما برای شما حجت است و برای من حجت نیست. من تا کسی را نشناسم که برای اسلام کار می‌کند، با او همکاری نمی‌کنم. از اول تا آخر این گفت‌وگو مقام معظم رهبری هم نشسته بودند و هیچ نمی‌گفتند و فقط صحبت‌های آقای هاشمی بود و جواب‌های بنده. پس از این گفت‌وگو آقای هاشمی با نارحتی منزل ما را ترک کردند و رفتند. بیان شد که سلیقه بنده این‌گونه است و این در حالی بود که بسیاری از دوستان ما در آن جبهه به‌اصطلاح ضد استعماری شریک بودند. البته کمک‌های آقای هاشمی به منافقین را نیز نباید فراموش کرد. چه پول‌هایی که به آنها داد. در حال حاضر هم نمی‌گویم که آنها کار بدی کردند. شاید وظیفه‌شان در آن شرایط همان بود، اما من چون حجتی نداشتم، مشارکت نکردم. شاید من اشتباه کرده باشم، اما اگر اشتباه هم کرده‌ام، خودم را معذور می‌دانم...».

ادامه از صفحه ۲

با رفتن آیت‌الله میانه‌روی در ایران تضعیف شد

در انتخابات مجلس گذشته کارگزاران کاندیدای حزبی نداشت اما قهر با انتخابات و صندوق‌ها را هم درست نمی‌دانست؛ به همین دلیل از میان کاندیداهای موجود فهرستی را ارائه کرد و درباره انتخابات شوراهای ۱۴۰۰ هم در زمان خود بحث و تصمیم‌گیری خواهد کرد.

◄ حزب کارگزاران در انتخابات ریاست‌جمهوری آینده حضور جداگانه دارد یا با دیگر احزاب اصلاح‌طلب همراه است؟ به فرض اگر تمامی نامزدهای اصلاح‌طلب در انتخابات آینده رد صلاحیت شوند و فقط حزب کارگزاران نامزد خود را داشته باشد، در انتخابات حاضر می‌شود؟

آنچه در کمیته سیاسی و شورای مرکزی حزب کارگزاران به تصویب رسیده است بر دو موضوع تأکید دارد؛ اول برنامه‌محور بودن حزب کارگزاران در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ است؛ به این معنا که تخریب و اتهام‌زنی به رقبای دیگر، کارکرد و تأثیر سابق را در افکار عمومی ندارد و با افزایش دسترسی به شبکه‌های اجتماعی و اطلاعات، مردم به دنبال برنامه و راه‌حل مشکلات در سخنان یک کاندیدا هستند، پس فارغ از اینکه چه کسی کاندیدا است، برنامه نیز اهمیت دارد و حزب کارگزاران هم به دنبال تدوین برنامه‌ای واقع‌بینانه و عمل‌گرایانه برای انتخابات ریاست‌جمهوری است که بتواند مشکلات کشور را حل کند و پس از ارائه و نقد آن توسط افکار عمومی و کارشناسان، آن را در اختیار کاندیدای اصلاح‌طلبان قرار خواهد داد.

مسئله دوم اعلام حضور تیم مجرب در انتخابات است. درحال‌حاضر فضای کشور و مشکلات به اندازه‌ای است که ما امکان حذف و دفع را نداریم و باید از همه ظرفیت‌ها و کاندیداها استفاده کرد؛ بنابراین پیشنهاد حزب کارگزاران این است که شخصیت‌های مناسبی که می‌توانند در صحنه حضور داشته باشند در ارتباط و همکاری با یکدیگر باشند و در نهایت بین گزینه‌هایی که از فیلتر شورای نگهبان عبور می‌کنند فردی را که مقبولیت بیشتری در میان مردم دارد مورد حمایت قرار دهند و بخشی از تیم اجرائی خود را از میان افراد کارآمد برای اجرای برنامه‌هایش معرفی کند.

تردیدهای آقای فیلسوف

روایت یک نماینده مجلس از ترکیب طلایی ظریف-لاریجانی

روز گذشته یک نماینده سابق و یک نماینده فعلی به استقبال از آمدن لاریجانی رفتند، البته تنها نه، بلکه با ظریف و گفته‌اند او اگر منافع ملی را در خطر ببیند برخلاف میل باطنی‌اش خواهد آمد. این یعنی به نظر می‌رسد لاریجانی هنوز برای آمدن دچار تردید است یا در حال بررسی است و رسانه‌ای‌شدن آن را فعلا به صلاح نمی‌داند. حتی بسیار محتمل است که از ناحیه بخشی از قدرت در جریان اصولگرایی تحت فشار زیادی قرار داشته باشد که خودش را از دایره رقابت‌های ۱۴۰۰ کنار بکشد. تا جایی که وقتی خبر دیدار اخیر نمایندگان ادوار مجلس با لاریجانی، انتخاباتی تعبیر شد، یک فعال رسانه‌ای در توییتر نوشت که این نشست انتخاباتی نبوده، بلکه بیشتر جنبه نفی و توبیخی داشته و لاریجانی از اینکه بدون پرسش از او درباره‌اش خبرسازی می‌کنند، شکایت داشته است. البته به نظر می‌رسد ماجرا این‌گونه که این فعال رسانه‌ای توییت کرده نبوده است، بلکه بیشتر ناظر بر تردیدهای لاریجانی است که فعلا خبر این آمدن را به مصلحت خودش نمی‌داند. مهم‌ترین دلیلش روشن‌شدن آتش توپخانه اصولگرایان به سمت خودش است؛ برای مثال حملات اخیر مرتبط با برخی پرونده‌های اقتصادی نزدیکان خاندان لاریجانی در شبکه‌های اجتماعی به‌ویژه توییتر در ظاهر اگرچه برادر کوچک‌ترش را که این روزها در مسند ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام نشسته هدف گرفته اما قطعا هدف ثانویه خود اوست. شاهد دوم هم مراسم تشییع مصباح‌یزدی بود که عده‌ای با دردست‌داشتن پلاکاردهایی خواستار محاکمه مشترک او و ظریف شده بودند. برخی اخبار حکایت از این دارد که مسیر کنونی متکی به دیپلماسی و بازسازی برجام (با توجه به نتیجه انتخابات آمریکا) اگر قرار است ادامه پیدا کند، زوجی برای آن بهتر از دوقلوی لاریجانی-ظریف نیست. ظریف در مصاحبه اخیر خود با سایت انتخاب از تمایل برای ادامه کار به‌عنوان وزیر خارجه صحبت کرد و همچنین با توجه به مأموریت دولت به لاریجانی برای پیگیری سند ۲۵ساله با چین، فاش کرد که لاریجانی دفتری برای این مأموریت در وزارت امور خارجه در اختیار دارد و با او به طور مداوم در ارتباط است. روز اول اسفند ۹۷ هم محمدجواد ظریف با اشاره به سفر علی لاریجانی به چین، در صفحه توییتر شخصی خود نوشت: «آقای لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی را تا پکن همراهی کردم. صحبت‌هایی مهم با رئیس‌جمهور «شی» و رهبری چین بر سر شراکت استراتژیک گسترده میان دو کشور انجام شد. موضوع اصلی این صحبت‌ها، نقش ایران در ایجاد راه ابریشم جدید و همچنین تداوم همکاری‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی بود و همراهی این قطعا چیزی نیست که خوشایند بخشی از جریان قدرت به‌ویژه درون اردوگاه اصولگرایی باشد، به‌ویژه با نقشه راهی که بخشی از آنها در پارلمان یازدهم آغاز کرده‌اند، در حال پیمودن جهتی کاملا خلاف مسیر برجام هستند.

جلیل رحیمی‌جهان‌آبادی، نماینده مجلس، در گفت‌وگو با ایسنا گفته اگر ما فرض کنیم که آقای لاریجانی مورد اجماع اصلاح‌طلبان و اصولگرایان میانه‌رو قرار گیرد و در انتخابات حضور پیدا کند و پیروز هم شود، به عقیده من ترکیب ریاست‌جمهوری آقای لاریجانی و وزارت امور خارجه آقای ظریف یک ترکیب طلایی خواهد بود؛ اما اینکه آیا همه این فرضیات محقق شود یا خیر، هنوز مشخص نیست؛ چراکه هنوز تا زمان انتخابات ممکن است اتفاقات زیادی بیفتد که همه معادلات را به کلی به هم بریزد. او گفته با وجود اینکه خود آقای ظریف می‌گوید برای قرارگرفتن در جایگاه ریاست‌جمهوری برنامه، تخصص و علاقه‌ای ندارد، اما به نظر من اصلاح‌طلبان یک نیم‌نگاهی هم به او و ظرفیت‌ها و محبوبیتش دارند؛ اما من بعید می‌دانم که آقای ظریف در این عرصه حضور پیدا کند، چون او هم مانند آقای لاریجانی یک محافظه‌کاری خاصی دارد. کمال‌الدین پیرمؤذن هم با اشاره به احتمال حضور علی لاریجانی در انتخابات ۱۴۰۰ گفته توجه به شرایط جهانی و به‌ویژه با عنایت به شناختی که از لاریجانی دارم و همچنین گفت‌وگوهایی که در این چند سال به طور پراکنده در این زمینه با او داشته‌ام، در صورت اینکه گروه‌های مرجع، بزرگان مذهبی، ملت و دلسوزان نظام و کیان انقلاب از او برای حضور در این امر فوق‌العاده مشکل و خطیر درخواستی داشته باشند، برخلاف میل باطنی‌اش، به خاطر منافع ملت وارد انتخابات خواهد شد. نکته‌ای که از خلال اخبار و نقل قول‌ها می‌توان دریافت، این است که لاریجانی به دلایلی این روزها تمایلی به بودن روی خط رسانه ندارد. شاید دلیل مهمش پرهیز از حواشی و گمانه‌زنی‌هاست. ایسنا نوشته بود که از ششم خرداد ۹۹ که علی لاریجانی به‌عنوان رئیس مجلس دهم با فرماندهان ارشد نظامی کشور دیدار کرد، دیگر هیچ فعالیت خبرسازی از سوی او دیده نشده یا در واقع اخبار مرتبط با وی رسانه‌ای نشده است. تنها خبرسازی لاریجانی در هفت ماه گذشته ابتلای مجددش به بیماری کووید ۱۹ در مردادماه و بستری‌شدن یک‌هفته‌ای او در یکی از بیمارستان‌های تهران بود.

بااین‌حال برخی هم معتقدند او واقعا تصمیم جدی برای آمدن ندارد. منصور حقیقت‌پور، از نیروهای نزدیک به لاریجانی و مشاور او در دوره ریاستش بر مجلس دهم، به‌تازگی گفته بود تا این لحظه همچنان باور دارد که علی لاریجانی تصمیمی برای شرکت در انتخابات ندارد.